



اثر نوسانات اقتصاد کلان بر توزیع درآمد خانوارهای ایرانی

مسعود نیلی، منصور شاکریان

تاریخ ۱۴۰۰.۱۰.۳۰



اقتصاد ایران به دلیل وزن زیاد درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی، عمق کم بخش مالی و تورم مزمن و دو رقمی، یک اقتصاد پرنوسان است. علاوه بر آن، فقدان روابط بلندمدت استراتژیک با سایر کشورها و فشارهای بین‌المللی در قالب تحریم‌های تجاری و سیاسی، اقتصاد ایران را با شوک‌ها و نوسانات متعددی روبه‌رو ساخته است. شواهد آماری حاکی از آن است که آثار این شوک‌ها و نوسانات به صورت یکنواخت بین خانوارها توزیع نمی‌شود و اندازه نسبی نوسانات و ضریب همبستگی بین متغیرهای اقتصاد کلان و خرد برای دهک‌های مختلف درآمدی متفاوت است. با در نظر گرفتن شواهد آماری تحقیق‌یافته و ادبیات اقتصادی مرتبط، پرداختن به موضوع اثر تحولات کوتاه‌مدت بخش حقیقی اقتصاد شامل نوسانات و چرخه‌های تجاری بر توزیع درآمد خانوارها و نابرابری در اقتصاد ایران، ضروری خواهد بود. در این تحقیق اثر نوسانات اقتصاد کلان بر توزیع درآمد خانوارهای ایرانی از دو جنبه توصیفی و علی‌مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش توصیفی با استفاده از اطلاعات حساب‌های ملی ایران و داده‌های هزینه و درآمد خانوارهای شهری در حد فاصل سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۷، ارتباط بین متغیرهای اقتصاد کلان و بودجه خانوار بررسی و «توزیع درآمد چرخه‌های تجاری اقتصاد ایران» برای اولین بار تولید شده است. در بخش علی با طراحی یک مدل تقلیل یافته رگرسیون تخمین حداقل مربعات دو مرحله‌ای با لحاظ اثرات ثابت و با استفاده از داده‌های تابلیوی حد فاصل سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۷ اثر نوسانات تولید ناخالص داخلی بر نابرابری و نوسانات توزیع درآمد خانوارهای ایرانی تخمین زده شده است.

«توزیع درآمد چرخه‌های تجاری اقتصاد ایران» دارای دو مولفه است که پس از حذف اثرات بلند مدت متغیرهای استفاده شده محاسبه می‌شوند: نوسانات نسبی و ضریب همبستگی. در مرحله اول، بررسی نوسانات نسبی درآمد و هزینه خانوارهای شهری نشان می‌دهد، نوسانات درآمد و هزینه گروه‌های اقتصادی شهری ایران، از قشر کم‌درآمد به قشر پردرآمد صعودی است. یعنی قشر کم‌درآمد کمترین نوسان و گروه‌های پردرآمد بیشترین نوسان را تجربه می‌کنند. در سمت درآمدها، برای گروه‌های کم‌درآمد، نوسانات درآمد حاصل از دستمزد و درآمد حاصل از سرمایه اثر یکدیگر را خنثی می‌کنند و برای گروه‌های پر درآمد این دو اثر یکدیگر را تقویت خواهند کرد. تفکیک منابع درآمدی خانوار نشان می‌دهد صعودی بودن نوسانات نسبی درآمد، ناشی از نوسانات درآمد حاصل از سرمایه است و درآمد حاصل از سرمایه گروه‌های پردرآمد بیشتر است. در نتیجه سیاست‌های مرتبط با ثبات اقتصاد کلان که بیشترین تاثیر را بر ثبات بازارهای مرتبط با سرمایه دارد، می‌تواند آثار رفاهی قابل ملاحظه‌ای بین خانوارهای ایرانی داشته باشد. در سمت هزینه‌ها، صعودی بودن نوسانات هزینه، ناشی از صعودی بودن هزینه‌های کالاهای بادوام و هزینه اجاره احتسابی مسکن است. نوسانات هزینه‌های خوراکی و سایر هزینه‌های کم‌دوام برای تمام گروه‌های اقتصادی تقریباً یکسان است. صعودی بودن نوسانات گروه‌های اقتصادی با منشاء کالاهای بادوام و هزینه اجاره احتسابی مسکن، می‌تواند منعکس‌کننده اثرات جانبی مرتبط با بخش اسمی اقتصاد و به تبع آن وجود تورم زیاد، نوسانات نرخ ارز و به‌خصوص اثرات مستقیم و غیرمستقیم بیماری هلندی باشد. نتایج این بخش از تحقیق نشان می‌دهد تلاش برای دستیابی به ثبات اقتصاد کلان که ثبات بازار مسکن و کالاهای بادوام را در پی دارد می‌تواند آثار رفاهی قابل توجهی داشته باشد.

مولفه دوم «توزیع درآمد چرخه‌های تجاری اقتصاد ایران»، ضریب همبستگی بین مقدار انحراف از روند بلندمدت تولید ناخالص داخلی و مقدار انحراف از روند بلندمدت درآمد و هزینه هر گروه اقتصادی است. ضریب همبستگی برای تمام گروه‌های اقتصادی مثبت است. یعنی انحراف از روند بلندمدت درآمد و هزینه همه گروه‌ها، در جهت انحراف از روند بلندمدت تولید ناخالص داخلی است و بیشترین همبستگی را قشر متوسط دارد. در نتیجه قشر متوسط در رونق‌ها بیشترین اثر مثبت و در رکودها بیشترین اثر منفی را پذیرفته است.

از بررسی رابطه ارزش افزوده نفت با اجزاء درآمد خانوار، می‌توان نتیجه گرفت با لحاظ این بخش همبستگی مثبت قشر متوسط افزایش و همبستگی گروه‌های کم‌درآمد کاهش می‌یابد. یعنی وجود نفت در ساختار اقتصاد ایران باعث می‌شود همبستگی نوسانات درآمدی قشر متوسط با نوسانات تولید ناخالص داخلی افزایش یابد. این اثر برای گروه‌های کم‌درآمد عکس است، در نتیجه با حضور نفت، قشر



اثر نوسانات اقتصاد کلان بر توزیع درآمد خانوارهای ایرانی

مسعود نیلی، منصور شاکریان

تاریخ ۱۴۰۰.۱۰.۳۰



کم درآمد در رونق‌ها و رکودها به ترتیب اثر مثبت و منفی کمتری داشته‌اند. در حقیقت همزمان با نوسانات بخش ارزش افزوده نفت، نوسانات درآمد قشر کم درآمد کاهش داشته در حالی که نوسانات درآمد قشر متوسط افزایش یافته است. همچنین این بررسی در مورد ارزش افزوده نفت با اجزاء هزینه خانوار نشان می‌دهد، با حذف اثر ارزش افزوده بخش نفت در تولید ناخالص داخلی، فرم کاسه‌ای معکوس ضریب همبستگی حفظ می‌شود ولی سطح همبستگی برای تمام گروه‌ها کاهش می‌یابد. این کاهش سطح برای گروه پردرآمد بیشتر است و گروه کم درآمد کمترین تغییر را دارد و همچنان قشر متوسط بیشترین همبستگی مثبت را دارد. این موضوع نشان می‌دهد نوسانات بخش ارزش افزوده نفت بیشترین همزمانی را با نوسانات هزینه قشر متوسط و قشر پر درآمد دارد و اثر نوسانات بخش ارزش افزوده نفت به قشر کم درآمد منتقل نشده است.

به‌طور کلی می‌توان گفت، همزمانی نوسانات بخش ارزش افزوده نفت با نوسانات گروه‌های درآمدی توزیع یکسانی ندارد. یعنی احتساب نوسانات بخش ارزش افزوده نفت، همزمان با کاهش نوسانات درآمد و عدم تغییر نوسانات هزینه بخش کم درآمد جامعه است. برای قشر پردرآمد، نوسانات درآمد تغییری نداشته در حالی که نوسانات هزینه افزایش داشته است. اما برای قشر متوسط، حضور نوسانات ارزش افزوده نفت با افزایش نوسانات درآمد و هزینه همزمان است و قشر متوسط از آن آسیب بیشتری دیده است. لذا با توجه به توزیع درآمد در اقتصاد ایران و سهم بالای قشر متوسط، تلاش برای ایجاد ثبات اقتصادی، از منظر کاستن شوک‌های سمت عرضه، تحریم صنایع و بخش مالی کمک می‌کند بخش بزرگی از جمعیت کشور کمتر در معرض آسیب قرار بگیرند.

همچنین رگرسیون بررسی اثر نوسانات بر نابرابری به‌عنوان بخش علیّ این پژوهش نشان می‌دهد اثرگذاری نوسانات تولید ناخالص داخلی با منشا نفتی بر ضریب جینی و نابرابری خانوارهای ایران منفی است. منفی بودن ضریب تاثیر جزء نوسانی تولید ناخالص داخلی بر جزء نوسانی هزینه هر دهک یعنی در دوران رکود اقتصادی نسبت به روند بلندمدت هزینه‌های خانوارهای دهک اول تا پنجم، افزایش و در دوران رونق کاهش یافته است. بدین منظور در دوران رکود، با افزایش هزینه خانوارهای دهک‌های کم درآمد نابرابری در کشور کاهش و در دوران رونق با کاهش هزینه‌های آن‌ها، نابرابری افزایش یافته است. این یافته با شواهد آماری تحقق یافته اقتصاد ایران سازگار است.

به‌طور خلاصه این تحقیق همزمانی اثرات سوء رفاهی نوسانات بخش حقیقی اقتصاد کلان و توزیع نامتوازن آن بین قشرهای مختلف اقتصادی را نشان می‌دهد. از این رو ثبات اقتصاد کلان از منظر بخش اسمی و تغییر قیمت‌های نسبی و از منظر بخش حقیقی شامل کنترل شوک‌های بخش عرضه، کنترل درآمدهای حاصل از فروش نفت و به تبع آن بیماری هلندی و تعمیق بخش مالی، ایجاد روابط بلندمدت استراتژیک با سایر کشورها و کاستن از فشارهای بین‌المللی و تحریم‌ها، باعث می‌شود شوک‌های کمتری به هزینه و درآمد خانوارهای ایرانی وارد شود.